

## اکران رایگان فیلم ایستاده در غبار در پیاده راه مرکزی رشت

**گیلان امروز** – به مناسبت روز ملی سینما فیلم ایستاده در غبار در پیاده راه مرکزی رشت اکران می‌شود.

به گزارش ایسنا فیلم سینمایی ایستاده در غبار به مناسبت روز ملی سینما شنبه بیست شهریور ماه بعد از اذان مغرب و عشا در بافت مرکزی پیاده راه شهر رشت برای عموم شهروندان رشتی به صورت رایگان اکران می شود.

فیلم ایستاده در غبار روایت کننده بخشی از زندگی یکی از رزمندگان دفاع مقدس شهید احمد موسویان است. این فیلم به کارگردانی و نویسندگی محمدحسین مهدویان وتهیه کنندگی حبیب اله والی نژاد برگزیده بهترین فیلم در جشنواره فیلم فجر سال ۹۴ شده است.

.....

## استعفای رییس و بازرس خانه مطبوعات گیلان

**گیلان امروز**– رییس و بازرس خانه مطبوعات گیلان استعفا کردند.

به گزارش فارس حسین داداشی رئیس خانه مطبوعات گیلان استعفای خود را تقدیم اعضای هیات مدیره این خانه کرد.

دلیل استعفای داداشی قرار است در جلسه فوق‌العاده ۲۰ شهریورماه جاری بیان شود ضمن اینکه امروز یکی از بازرسان خانه مطبوعات گیلان نیز استعفای خود را اعلام کرد و عضو دیگر این خانه نیز در شرف استعفا است.

بازرس خانه مطبوعات گیلان دلیل استعفای خود را تخلفات خارج از اساسنامه این خانه و دیدارها بدون اطلاع بازرسان خانه مطبوعات استان و دریافت هدایایی خارج از اصول این خانه عنوان کرد.

حسن سامری به بخشی از تخلفات هیات مدیره خانه مطبوعات گیلان اشاره کرد و گفت: برگزاری مراسمی شاد و مفرح ورزشی و … برای خبرنگاران قابل قدردانی است و اگر در چارچوب اساسنامه بود درست و دقیق‌تر برگزار می‌شد.

وی ادامه داد: پیش از برگزاری همایش تجلیل مذکور توسط مدیرعامل خانه مطبوعات گیلان تذکر خود را در چارچوب اساسنامه نوشتم اما پاسخی ارائه نشد. اینکه چه تعداد کارت‌های هدیه ۱۰۰ هزار تومانی، ۲۰۰ هزار تومانی، ۵۰ هزار تومانی، سکه طلا، پولپوز و… به نام خانه مطبوعات دریافت شده است.

بازرس خانه مطبوعات گیلان اظهار کرد: مدیرعامل خانه مطبوعات چگونه بدون اجازه و مصوبه هیات مدیره امروز به برگزاری همایش مذکور و دریافت هدایای نقدی و غیر نقدی کرده و اگر این هدایا به نام خانه مطبوعات و برای خبرنگاران دریافت شده چرا هدایا به افراد غیر خبرنگار داده شده است. وی تصریح کرد: از زمان آغاز فعالیت خانه مطبوعات گیلان تاکنون که بیش از سه ماه می‌گذرد، ۹ تذکر مکتوب به هیات مدیره این خانه تسلیم کردم اما تاکنون پاسخی مکتوب و در چارچوب اساسنامه برای گزارش به اعضای خانه مطبوعات دریافت نکردم. به گزارش فارس، با استعفای دو نفر از اعضای هیات مدیره خانه مطبوعات گیلان، این خانه به تعطیلی کشیده می‌شود و باید مجمع دیگری در آینده برگزار شود. خانه مطبوعات گیلان دارای هفت نفر عضو و دو نفر بازرسی و در مجموع ۹ نفره بوده که پنج نفر از آنها عضو هیات مدیره هستند. خانه مطبوعات گیلان در طی سال‌های گذشته تاکنون عملکرد موفقی نداشته و نتوانسته رضایت اصحاب رسانه استان را جلب کند.

.....

## سرقت در یکی از بانک های بندر کیشهر با اسلحه پلاستیکی

**گیلان امروز** – معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی گیلان از وقوع سرقت در یکی از بانک های بندرکیشهر از توابع شهرستان آستانه اشرفیه واقع در شرق استان با اسلحه پلاستیکی خبر داد.
به گزارش عصر پنجشنبه واحد اطلاع رسانی پلیس گیلان به ایرنا، سرهنگ سرمحمدرضا جعفری خروازه گفت: ساعت هشت و ۵۵ دقیقه امروز، بانک ملت روستای دستک واقع در بندر کیشهر از توابع شهرستان آستانه اشرفیه توسط دو سارق مورد سرقت قرار گرفت.

وی ادامه داد: یکی از سارقان ملیس به لباس نظامی بود و یک اسلحه پلاستیکی در دست داشته است. سرهنگ جعفری افزود: سارقان با ایجاد رعب، وحشت و تهدید پس از سرقت ۴۰۰ میلیون ریال وجه نقد بانک، از صحنه متواری شده اند.
معاون اجتماعی پلیس گیلان با اعلام اینکه اسلحه پلاستیکی سارقان در محل وقوع جرم کشف شد، بیان داشت: چند روز قبل، بانک مورد نظر تحت بررسی پلیس پیشگیری قرار گرفته و موارد نقض امنیتی و حفاظتی به مسئول بانک اعلام شده بود. به گفته سرهنگ جعفری، پلیس در صحنه حضور داشته و با بررسی تخصصی سرخ هابی از این سارقان بدست آورده که به محض دستگیری از طریق مبادی رسمی اطلاع رسانی خواهد شد.

شهرستان آستانه اشرفیه با دو بخش مرکزی و بندرکیشهر، در ۳۵ کیلومتری شرق مرکز استان گیلان واقع است.

## {گیلان زمین }

**گفت و گو با دکتر محمدمهدی رحمتی در مورد خشونت تماشاگران فوتبال گیلان:**

# اختلاف سپیدرود و ملوان می تواند به یک جریان مخرب اجتماعی تبدیل شود

(ادامه از صفحه یک)

تماشاچپانی که به ورزشگاه می آیند معمولاً جوان هستند و انرژی و هیجان در این قشر در بالاترین سطح قرار دارد و از آن طرف فضای موجود، فضایی است که کمترین امکان کنترل در آن وجود دارد؛ چون برای هر تماشاچی نمی‌توان یک مامور پلیس در نظر گرفت و فی‌نفسه کار درستی هم نیست. نیروی انتظامی و نیروی اجتماعی در حد معقول در فضای اجتماعی ما وجود دارد.

باشگاه ها در زمینه فرهنگی کمترین

سرمایه گذاری را می کنند. عرض می‌کنم

سرمایه‌گذاری زی‌را من معتقد نیستم که این

کار هزینه باشد. اگر باشگاه بخشی از درآمد

خود را صرف امورفرهنگی و ایحاد تعامل با

تماشاگران و هوادارانش نماید و بحث تشکل

ها را مدیریت و ساماندهی کند مطمئنا مثل

نمونه های موفقی که دربسیار از کشور های

جهان وجود دارند ما چنین مسایل فرهنگی

را مشاهده نخواهیم کرد یا حداقل کمتر

خواهد شد. عوامل فیزیولوژیکی مثل هیجان

بالا، سن تماشاچیان، محیط‌های فیزیکی

ورزشگاه‌ها که امکان کنترل را برای تخلیه

انرژی کمتر می‌کند و آزادی عمل را برای

بروز هیجان بیشتر می‌کند. و از سمت دیگر

مدیریت مناسب برای هدایت این هیجان‌ها

در مجراهای مناسب با عث بروز چنین

معضلاتی می‌شود. بنده به عنوان یک نمونه

راهکار ساده بارها عرض کردم که می‌شود با فرهنگ گیلک‌ها، آداب، مناسک و

برنامه‌های خاصی را قبل از برگزاری بازی یا بین دو نیمه و حتی در پایان بازی

تدارک ببینیم تا تماشاچی با شور و نشاط ورزشگاه را ترک کند نه با تنش و

اضطراب. ولی شما می‌بینید که تماشاچی از زمان رسیدن به ورزشگاه ، تهیه بلیط

، دسترسی به امکانات اولیه مثل امکانات بهداشتی و غیره مشکل و تنش دارد. و از

طرف دیگر رفتاری که بعضی از مدیران باشگاه ها ، بازیکنان و عوامل دیگر انجام

می دهند باعث تحریک تماشاچی می‌شود. مثلاً در بازی اخیر ایران و قطر جواد

نکونام که خود در مقام مربی باید آموزش‌دهنده باشد مرتکب یک رفتار نامناسب

می‌شود که می‌توانست تحریک کننده باشد و آشفتنگی و اغتشاشی بدتر از آن

چیزی که به وجود آمد ایجاد کند. همینطور رفتار چند آدم می‌تواند در مورد

اعتبار یک شهر ، یک استان و حتی یک کشور در نزد دیگران تاثیر گذار باشد.

اتفاقی که امروزه در گیلان شاهد هستیم و شما به درستی به آن اشاره دارید. من

تصورم این است ضعف برنامه ریزی فرهنگی و مدیریت ورزشی موجب شده که این

اختلافات در اینجا خودنمایی کند وگرنه این اختلاف به حدی نیست که اگر یک

انزلیچی به شهر رشت برود رشتی‌ها با او برخورد بدی داشته باشند یا بالعکس.

مدیریت نامناسب فرهنگی در عرصه ورزش گیلان سبب شده که این عداوت‌ها در

حال ریشه گرفتن باشد و اگر فکری به حال آن نشود در آینده متراکم‌تر خواهد

شد .

■**به نظر شما این اختلاف بین دو شهر هم استانی ، همسایه و هم**

**زبان پدیده عجیبی نیست ؟ مثلاً وقتی به آذری زبان ها نگاه می کنیم**

**یک نوع اتحاد و همبستگی محکمی بینشان دیده می‌شود در حالیکه**

**در گیلان از قدیم با «بیه پس» و «بیه پیش» این تفکیک اجتماعی وجود**

**داشت و حالا هم بین این دو شهر همسایه این مسائل دیده می‌شود.**

در مورد آذری ها می توان تحلیل های دیگری داشت. با آذری ها به گونه ای رفتار

شده که خود شان را در برابر فارس قرار می دهند البته از نظر علمی به هیچ‌وجه

اینگونه نیست؛ یعنی آذری جزو اقوام ایرانی محسوب می‌شود و اتفاقاً جزو اقوام

اصیل ایرانی هم هستند. منتها آن چیزی که بین افکار و عوام رواج پیدا کرده

است که همانگونه که مستحضرید خیلی جاها به اشتباه از واژه ترک استفاده می

شود درحالیکه ما در ایران ترک خیلی کم داریم نه اینکه نداشته باشیم اما خیلی

کم هستند. ضمن اینکه امروزه دیگر بحث نژاد و قومیت مدهائاست که پرونده‌اش

بسته شده است و این بحث بیشتر مربوط به جوامع عقب‌افتاده است. اما چیزی

که در اینجا وجود دارد بحث ما و دیگری است؛ که این ما کل آذری ها می‌شود

و دیگری می‌شود غیر آذری. ولی در گیلان این اتحاد و یا مفهوم «ما و دیگری» به

شدتی که در بین آذری ها هست وجود ندارد. یعنی رشتی خودش را ما می‌داند و

انزلی چی را دیگری و همین‌طور برعکس. این دوتا با هم نمی‌گویند ما گیلک‌ها

و دیگران؛ البته در جاهایی گفته می‌شود اما بحث من در عرصه ورزش است. و

معتقدم که اتفاقاً ورزش عرصه ای است که می‌تواند مبحث هویت قومی را به

شکل بسیار مناسبی باز تولید و بازسازی کند. همانطور که شما اشاره کردید و من

هم پذیرفته‌ام که یک خدشه و اختلالی در بحث هویت گیلک‌ها در ورزش وجود

دارد و این خدشه سبب اختلاف، کینه توزی و مسایل نامناسب بین تماشاگران و

فوتبال‌دوستان رشت و انزلی شده است. خب چرا از سمت دیگر به این قضیه نگاه

نکنیم؟ چرا از این وجوه اشتراک قومی که بین رشت‌ها و انزلیچی‌ها وجود دارد،

استفاده نکنیم و روی این مبحث برنامه‌ریزی نکنیم. همان کاری که در آذربایجان

و تبریز انجام شده و یک هویت واحدی را در ورزش متبلور کردند . ما می‌توانیم

همین کار را در گیلان هم انجام دهیم. البته این کار نیازمند کارعلمی و مطالعه

است و با شعار درست نمی‌شود. ما باید در عمل اقدامات مناسبی انجام دهیم،

مطالعه صورت بگیرد و با پژوهش و تحقیق نقاط آسیب و ضعف شناسایی شود،

نقاط قوت شناسایی شود، فرصت‌ها و تهدیدها شناسایی شود و در نهایت با یک

نگاه کارشناسی برنامه ریزی فرهنگی مناسب صورت بگیرد تا این بحث های شبیهه

برانگیز، اختلاف‌برانگیز و انرژی‌بر از گیلان حذف شود.

■**اگر به عنوان نمونه بازی الکلاسیکو بین رئال و بارسلونا را مدنظر قرار**

**دهیم با آن همه حساسیت بالای ورزشی، اقتصادی و سیاسی رقابت**

**و حساسیت به مراتب زیادتری وجود دارد. اما ریشه این حساسیت**

**مشخص است و مصدافی از تاریخ اسپانیا و کاتالونیا است که این بازی**

**را حساس می‌کند. اما در اینجا چنین مسائل تاریخی به نظر می‌رسد**

**وجود ندارد. آیا این فعاشی ای که در رشت و انزلی اتفاق می‌افتد را**

**باید نمودی از جامعه دانست؟**

بحث کاتالونیا با اسپانیایی تبارها به حدود یک قرن پیش بازمی‌گردد که در

اسپانیا مسائلی پیش آمد که در واقع ایالت‌هایی مثل باسک یا قومی مثل کاتالانها

احساس کردند که در حق‌شان از سوی حکومت مرکزی اجحاف می‌شود. این‌ها

یک‌سری واقعیت‌های تاریخی است در مورد اسپانیا. البته این را باید عرض کنم

که از دهه نود بحث های اختلاف برانگیز شدید به شدت کاهش پیدا کرده است.

هنوز هم وجود دارد اما خیلی کم شده است. امکان دارد در قالب کری یا شعرهایی

که در عرصه ورزش داده می‌شود گاهی تبلور پیدا کند ولی شما می‌بینید که

جدایی طلبان باسک نزدیک به سه دهه است که مبارزه مسلحانه را به عنوان

یک استراتژی رها کرده‌اند. الان در اسپانیا اتفاقاً تیم ملی اسپانیا تبدیل شده‌است

به نمادی از وحدت اسپانیایی تبار ها و می‌دانید که کاتالانها هم در این تیم

حضور دارند. می‌بینید که از اواسط دهه نود به بعد دیگر آن بحث های اختلاف

برانگیز و تفرقه افکن به شدت کاهش یافته

است و از یک معضل ملی و اجتماعی خارج

شده است. اما در مورد رشت و انزلی من

چنین تصویری ندارم و از نظر علمی که نگاه

کنید این دو شهر از نظر نژاد، فرهنگ و دیگر

موارد یکی هستند. اگر از نظر جامعه شناسی

تحقیق کنیم می‌بینیم که پیوندهای زناشویی

بین رشت و انزلی وجود دارد. نمی‌گویم این

حساسیت‌ها صفر است ولی معضل اجتماعی

نیست. اما درورزش با توجه به مسایل که

پیش‌تر عرض کردم اگر به آن توجه نشود،

می‌تواند به یک جریان مخرب اجتماعی بین

این دو شهر تبدیل شود. همان‌طور که می

تواند به یک سرمایه هویت بخش تبدیل شود.

ولی روند یکی دو دهه اخیر نشان می‌دهد

که غفلت مدیران به ویژه مدیران فرهنگی

سبب شده بیشتر وجه مخرب و ویرانگر خود

را نشان دهد.

■**اخیراً پیش از داریی گیلان کمپینی به نام الگیلانود بدون فحش به راه**

**افتاد که در شبکه های اجتماعی بازتاب زیادی داشت. این کمپین از**

**سوی خود فوتبال‌دوستان و طرفداران راه اندازی شد و حتی توانست**

**خیلی از بازیکنان این دو تیم را با خود همراه کند. اما باز هم در پایان**

**بازی و حتی بازی بعد شاهد اتفاقات تلخ همچون فحاشی و دعوا بودیم.**

**در ابتدای امر این کمپین نشان می‌دهد بخشی از بدنه جامعه نسبت به**

**این پدیده اعتراض دارد و به عنوان ناهنجاری می‌شناسد. اما چرا این**

**خواست وقتی که وارد استادیوم می‌شویم فراموش می‌شود؟**

عرض کردم هیجان می‌تواند هم فرصت باشد و هم تهدید باشد. من با واژه هایی

مثل کنترل و سرکوب مخالف هستم. ما باید تماشاگران را مدیریت کنیم و جوانی

که با اوج هیجان به استادیوم می‌آید برای چه چیزی به ورزشگاه می‌آید؟ مگر

نمی‌تواند در خانه بنشیند و از تلوزیون بازی را تماشا کند؟ پس چرا به ورزشگاه

می‌رود؟ برای اینکه انرژی خود را تخلیه کند. جامعه شناسان اشاره می‌کنند که

ورزش در دوران جدید به نوعی یک مجرای مناسب، متعال و مجاز است که انرژی

درمان را هم در قالب ورزشکار و هم در قالب طرفدار می‌تواند تخلیه کند. ما

این هیجان را مرتب با عواملی چون بی احترامی به تماشاگر، بدون در نظر گرفتن

حقوق تماشاگر، نبود سرویس ایاب و ذهاب برای رفتن به ورزشگاه، نبود خدمات

مناسب در ورزشگاه و غیره دامن می‌زنیم و تحریک می‌کنیم. در همه این موارد

کاستی‌های اساسی وجود دارد و مطالعات علمی نشان می‌دهد که به انرژی‌های

منفی و ویرانگرانه دامن می‌زنند. این انرژی وقتی مدیریت مناسبی نشود مشخص

است که از فحاشی و ناهنجاری سر در می‌آورد. ضمن اینکه نباید انتظار داشت تنها

با یک کمپین همه این مشکلات برطرف شود. اما این کمپین می‌تواند سرآغاز

مناسب و موثری برای ادامه و استمرار حرکت‌های فرهنگی در آینده باشد و همین

طور اقداماتی که باید مبتنی بر پژوهش باشد و بتواند نقاط ضعف را شناسایی کند

و بر آنها متمرکز شود تا انشاء.. به تدریج شاهد کاهش و محو چنین ناهنجاری هایی

فرهنگی در ورزشگاه باشیم.

■**شما در صحبت‌های‌تان به یک سری راهکار مثل برگزاری یک‌سری**

**مراسم به خصوص پیش و بین بازی اشاره کردید. فارغ از این‌ها آیا**

**راهکار مشخص دیگری مدنظر شما است؟**

این چند راهکاری که گفتم راهکارهای کلی بود. اما اگر بخواهیم راهکارهای جزئی

بدهیم نیاز به مطالعه دقیق داریم. من چند سال پیش یک طرح پژوهشی به اداره

ورزش و جوانان استان گیلان پیشنهاد دادم ولی همانطور که عرض کردم متاسفانه

به این‌ها به چشم هزینه نگاه می‌شود. هزینه ای که برای اجرای این طرح

درخواست کرده بودیم شاید یک دهم دستمزد پایین‌ترین فوتبالبلیست گیلان هم

نبود. من به مسئولین امر هم گفتم که این مبلغ هزینه نیست بلکه حق‌الزحمه‌ای

است که برای پرسشگران تعریف کردیم تا بروند این کار را انجام دهند. ببینید

ما باید براساس تحقیق ابتدا مخاطب خود را شناسایی کنیم. در نظر بگیرید قرار

است برای شما مهمان بیاید؛ هرچقدر اطلاعات شما از شخصیت، خصوصیات و

سلایق مهمان‌های شما کمتر باشد برنامه‌ریزی شما مخدوش‌تر خواهد بود و

هرچه اطلاعات دقیق‌تری داشته باشید راحت‌تر و بهتر می‌توانید برنامه‌ریزی

کنید. مشکلی که وجود دارد این است که ما مخاطبان خود را نمی‌شناسیم. ما به

دوستان گفتیم که اجازه دهید ما برایشان شناسایی کنیم که مخاطبان شما چه

کسانی هستند، چه نقاط قوتی دارند، چه نقاط ضعفی دارند. شما اگر قرار است

برای این‌ها کاری انجام دهید بالاخره باید بشناسید این افراد چه کسانی هستند.

اگر کارهای تحقیقی به درستی انجام شود، تماشاگران به خوبی شناخته شوند،

مشخصات اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی‌شان را به درستی مطالعه کنیم، می‌شود

راهکارهای ملموس تری داد. اما در کل تهیه امکانات مناسب در ورزشگاهها، تهیه

شرایط مناسب برای ورود، استقرار و خروج تماشاچی، فعالیت مناسب تشکل های

فرهنگی باشگاه‌ها که در هنگام ورود تماشاگران در ورزشگاه بتوانند به شکل

مناسبی هیجان آنها را مدیریت و راهبری کنند و همین‌طور برگزاری مراسم،

مناسک و برنامه‌های خاص مثل اجرای موسیقی به شکلی که بشود در زمان‌های

برگزاری بازی انجام داد.

■**نکته دیگری که وجود دارد فرهنگ زبان گیلکی است. به هر روی**

**یک سری الفاظ رکیک در فرهنگ زبانی گیلان وجود دارد مثلاً از قدیم**

**ضرب‌المثل‌های زیادی بجا مانده که کاربرد آن در جامعه شهری امروز**

**امکان پذیر نیست. ارزیابی شما از این موضوع چیست؟**

این را بهتر است از کارشناسان مردم شناس و گیلان شناس سوال کنید. اما در

ادبیات عامیانه خیلی از جاها ممکن است یک سری الفاظ وجود داشته باشد

که به صورت غیررسمی به کار می‌رود اما در گفتار رسمی مناسب نیست. تصور

من این است که با گسترش فرهنگ شهری و شهرنشینی به تدریج به قول

نوربت الیاس جامعه‌شناس فقید آلمانی، این خشونت‌های کلامی هم از صحنه‌ها

حذف شود.

شنبه ۲۰ شهریور ماه ۱۳۹۵

## سه راه طنز / از دور تا دیر

## تشخیص هویت

خط مدت‌ها بیکار بود و بالاخره روزی به اداره

کاریابی مراجعه‌کرد.

عکس، رونوشت شناسنامه، عدم سوء پیشینه،

مدارک تحصیلی، کارت ملی، کارت معافیت نظام

وظیفه و انگشت نگاری و ور‌قه تشخیص هویت.

**ساعتی بعد خط پشت میز یکی از کارمندان اداره**

**تشخیص هویت ایستاده بود.**

**مامور از زیر عینک او را نگاهی کرد و پرسید: «چه**

**می‌خواهید؟» خط‌گفت:**

**«من یک خط هستم و برگه تشخیص هویت**

**می‌خواهم»**</